

تبیین مفهوم آزادی و ابعاد آن از منظر اسلام

سعیده سادات مطهری^۱

چکیده

آزادی واژه ای مقدس است که در تبیین مفهوم آن توصیف ها و تعاریف مختلفی صورت گرفته و گاهی این واژه در تعریف اش مورد سوءاستفاده دشمنان آزادی و بشریت قرار گرفته است. آزادی همواره به عنوان یک نیاز اساسی و شاخص در زندگی فردی و اجتماعی مطرح بوده و غربی ها ادعا دارند که آزادی انسان ها ریشه در تفکر و ایدئولوژی غرب دارد. اما با مطالعه منابع تاریخی و اندکی تامل در معارف و احکام اسلامی می توان دریافت که دین اسلام سال قبل از تحولات اجتماعی غرب مبانی و اساس تفکر آزادی انسان را مطرح کرده است و رعایت آن را بر حسب فطرت بشری ضروری می داند. ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی جهان بینی توحیدی است برخلاف لیبرالیسم غرب که آزادی بر مبنای مادی استوار است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و کتابخانه ای به تبیین مفهوم آزادی از دیدگاه اسلام، آزادی محدود به حدودی است که اگر نزاعی میان آزادی و ارزش های دیگر رخ بدهد، باید آزادی محدود گردد و به بهلنه آزادی نمی توان از عدالت، امنیت، اخلاق، دین و داشتن فضای سالم صرف نظر کرد، اسلام برای آزادی قیودی در نظر گرفته تا آزادی انسان با کرامت انسانی و با اصول و ارزش های الهی و اجتماعی تعارض نداشته باشد. حدود آزادی در اسلام به سه دسته: ۱- آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد، ۲- آزادی و رفتار اجتماعی افراد، ۳- آزادی عقیده تقسیم می شود.

کلید واژه ها: آزادی، اسلام، تبیین.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه امام حسین علیه السلام، چالوس

مقدمه

آزادی واژه‌ایست که در تبیین مفهوم آن تعاریف و توصیف‌های گوناگونی صورت گرفته است. مکاتب فکری و ادیان الهی درباره آن دیدگاه‌ها و آرای خود را بیان کرده‌اند، از آنجا که این آرا و اندیشه‌ها بر اساس نظر خاصی ارائه شده است اختلاف نظرهای زیادی درباره مفهوم آزادی وجود دارد؛ برخی آزادی را مفهومی سلبی و به معنای فقدان مانع در برابر استفاده از حق دانسته، آنجا که این موانع نباشد آزادی هست و به میزان تعدد و تنوع موانع آزادی محدود می‌شود، بنابراین مفهومی در مقابل ممنوع الحقوق بودن است. برخی آزادی را مفهومی لیبرالستی در نتیجه مخالف روح دینداری و خدا محوری می‌دانند و معتقدند آزادی مفهومی کاملاً جدید و زاینده فرهنگ غرب است و آموزه‌های اسلامی نسبتی با آزادی ندارند و نمی‌توان از آن نام و نشانی در نصوص اسلامی یافت، اما با لندکی تأملدر معارف و احکام اسلامی می‌توان دریافت که دین اسلام آزادی را یک ارزش اصیل و مقدس می‌داند و همینطور خداوند متعال بر حسب فطرت بشری رعایت آن را ضروری قرار داده و در قرآن کریم تاکید کرده است که اجرای آزادی باید در تمام شئون زندگی و مراحل حیاتی مسلمانان رعایت شود. آزادی زیباترین واژه‌ها در اندیشه بشری و مورد احترام و آرزوی فطری همه انسان‌ها می‌باشد، از آنجایی که هر کس یا هر گروهی تعریفی از این واژه مقدس دارند به همین دلیل این واژه گاهی مورد سوء استفاده دشمنان آزادی و بشریت قرار می‌گیرد، معنای آزادی همواره از سوالات اساسی بشر بوده و چپستی این معنا هنوز ادامه دارد؛ امروزه ضروریست که مفهوم آزادی از نظر اسلام درست تبیین و تشریح شود تا بتوان به شکل درست به این سوال اساسی بشر پاسخ داده شود تا دچار فهم غلط از مفهوم آزادی نشود و مورد سوء استفاده دشمنان قرار نگیرد، واژه آزادی به خودی خود واژه گسترده‌ای است و ابعاد گوناگونی دارد که با عبارت‌هایی همچون آزادی اجتماعی، آزادی فردی، آزادی سیاسی، آزادی عقیده و بیان و تعریف می‌شود مقالات و آثار متعددی درباره آزادی به نگارش درآمده است، به عنوان نمونه در کتاب؛ (اسلام، اجتماع، سیاست)، (نویسنده محمد آرمین)، بخش اول کتاب درباره آزادی و رابطه آن با جامعه دینی صحبت شده است که بعد از تعریف مفهوم آزادی در منابع و متون دینی در فقه اسلامی بیان شده است که تنها در علوم اجتماعی؛ در زمینه هستی شناسی و انسان شناسی مفهوم آزادی را به

کار برده است؛ و در کتاب (فلسفه حقوق)، (نویسنده مصطفی دانش پژوه و جواد عابدینی) درباره مقایسه حقوق بشر اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره تبیین اصل آزادی، آزادی از بردگی، آزادی مذهبی، آزادی بیان، و به معنای آزادی فقط در حیطه بحث حقوقی پرداخته شده است؛ اینکه در اعلامیه جهانی بیش از هر چیز برای آزادی فردی انسان تاکید می‌کند و همین طور از آزادی مذهبی و آزادی قلم از دیدگاه اسلام نوشته شده است و بحث دیگر دیدگاه اسلام درباره برده‌داری و مقصود از آزادی مذهبی و تفاوت دیدگاه اعلامیه حقوق بشر و اسلام و دیدگاه اسلام درباره ارتداد، علت تفاوت نظر اسلام با اعلامیه حقوق بشر و محدودیت‌های وارد بر آزادی بیان را تبیین می‌کند. در مقاله (تحول مفهوم آزادی‌های عمومی بعد از انقلاب اسلامی) (پدید آورنده آن حمیدرضا گرامی پور حقوق و نشریه بشر و شهروندی بهار و تابستان) که در این مقاله به تحول مفهوم آزادی‌های عمومی بعد از انقلاب اسلامی پرداخته به این نحو که مفهوم آزادی‌های عمومی را از منابع اصلی حقوق یعنی قانون اساسی قبل و بعد از اسلام انقلاب اسلامی استخراج کرده و ویژگی‌های رویکردی تطبیقی نسبت به قبل و بعد از انقلاب اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار داده که در نتیجه مفهوم آزادی‌های عمومی بعد از انقلاب اسلامی بهره‌مند از تحولات مثبتی شده که این در نتیجه آزادی متفکرین و دانشمندان اسلامی در پایه گذاری اساس انقلاب اسلامی و بازتاب آن در وضع قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است. در این دو کتاب تنها به معنای آزادی در علوم اجتماعی و فلسفه آزادی و در مقاله به آزادی در قانون اساسی و مولفه‌های آن پرداخته شده است ولی در هیچ کدام از این آثار به تبیین مفهوم واژه آزادی به تنهایی از منظر اسلام قرآن و روایات پرداخته نشده است و به حدود و منشا آن پرداخته است، در این مقاله بر آنیم به روش توصیفی و کتابخانه‌ای، پس از تبیین مفهوم صحیح آزادی در قسمت های بعد به حدود و منشا آن از منظر اسلام و به ابعاد آزادی اجتماعی و فردی اسلامی پرداخته شود.

۱- مفهوم آزادی

۱- آزادی به معنای ، حریت ، بندگی ، عبودیت ، رقیت ، رهایی ، آرامش (معین ، محمد ۱۳۸۲ ص، ۴۶)

۲- آزادی یکی از لوازم حیات و تکامل است، یعنی یکی از نیازمندی های موجود زنده آزادی است، فرقی نمی کند که موجود زنده از نوع گیاه باشد یا حیوان یا از نوع انسان، به هر حال به آزادی نیازمند است، منتهی آزادی گیاه متناسب با ساختمان آن است ، آزادی حیوان طور دیگری است، انسان به آزادیهای دیگر ماورای آزادیهای گیاه و حیوان نیاز دارد . هر موجود زنده خاصیت این است رشد می کند ، تکامل پیدا میکند ، متوقف نیست سر جای خودش نا ایستاده ایت ، جامدات که رشد و تکامل ندارند نیازمند آزادی هم نیستند . اصلا آزادی برای جامدات مفهوم ندارد ولی گیاه باید آزاد باشد موجودات زنده برای رشد و تکامل به سه چیز احتیاج دارند، که عبارتند از؛

- ۱- تربیت: یک سلسله عوامل که موجودات زنده برای رشدشان به آن ها احتیاج دارند.
- ۲- امنیت: یعنی موجود زنده چیزی را در اختیار دارد، حیات دارد، باید امنیت داشته باشد تا آن چه را دارد از او نگیرند.
- ۳- آزادی: آزادی یعنی جلوی راهش را نگیرند، جلوی رشدش را نگیرند، پیش رویش مانع ایجاد نکنند. (مطهری، ۱۳۷۸ ص ۱۱ و ۱۲)

۳- مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن کریم

مفهوم آزادی از جمله مباحث بسیار مهم می باشد که تاکنون برداشت های متعددی از آن صورت گرفته است و اندیشمندان و نظریه پردازان تعبیر و برداشت های مختلفی از آن ارائه داده اند، هر چند این تعبیر مختلف است، برای این که این بحث روشن شود، ناچار باید درباره اصل مفهوم آزادی و نظر اسلام در باب آزادی و دیدگاه قرآن کریم در باب آزادی و این که آزادی چه معنایی دارد بحثی انجام گیرد.

در قرآن کریم می فرماید:

لِّلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ لِّلْأُمَمِ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ
وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (اعراف: ۱۵۷)

آنانی که از این رسول پیروی کنند، همان پیامبر امی که نام و نشان او را در تورات و انجیل که در دست آنان است، می یابند آن ها را به نیکویی امر می کند و از زشتی نهی خواهد که دو برای آنان هر پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید و منفور را حرام می گرداند و از آن ها زنجیرهایی که برگردن ایشان نهاده شده بر میدارد) با توجه به ترجمه آیه از جمله مطالبی که در این آیه آمده است این است که: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» بندها را از پای انسان ها بر می دارد. «الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» آن غل هایی که به پای آن هاست و سنگینی می کند و مانع از تحرک انسان و پرواز آدمی می شود و مانع اوج گرفتن و تکامل او می شود، از گردن و پای انسان باز می کند، «إِصْر» در لغت به معنای آن ریسمان هایی که پایه خیمه را بوسیله آن ها با میخ ها می کوبند زمین که تا آن ریسمان ها به خیمه بسته است این خیمه نمی تواند تکان بخورد، به پای انسان ها آن قدر از این ریسمان ها بسته اند و آن قدر او را چهار میخه کرده اند با انواع و اقسام تحمیل ها، تبعیض ها، محدودیت ها، تلقین هایی که در جامعه مدرن مطرح است که انسان ها را به صورت یک حیوان در می آورد. (فخریان، ۱۴۰۲ ص ۲۸)

از دیدگاه علامه طباطبایی اصر به معنای گره زدن و حبس کردن به قهر است و «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ» بدین معناست که خداوند چیزهایی را که مانع از خیرات و رسیدن به ثواب می شود از آنان برمی دارد، و «الْأَغْلَالَ» جمع «غُل» و به معنی طوق و بندی است که به دست و پای اشخاص می اندازند. (المیزان، ۱۳۷۴ ص ۳۶۰)

۳-۱- از جمله دلایل دیگر که می توان آزادی انسان را بوسیله آن تبیین نمود این است که در قرآن کریم خدای بزرگ به او کرامت عطا کرده است.

۲- آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان:

در مورد این گونه اعمال و رفتار، اسلام در بعد اعمال حکومت تقریباً همانند آنچه در اعلامیه ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد. (صفار، محمدجواد ۱۳۸۳، ص ۱۰۴)

در اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع؛ و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» (همان، ص ۱۰۴)

اسلام عقیده صحیح را دین توحید و اعتقاد و به مبدا و معاد می داند و انسان را به گزینش این عقیده سوق می دهد و هدایت می کند و از لحاظ فردی هر شخص را نزد خداوند مسئول می داند که برای کشف حقیقت و پیدا کردن عقیده صحیح تلاش کند و از شرک و کفر دوری جوید ولی در عین حال، اجبار و اکراه را در دین نفی می کند، تمام کوشش، بر این است که دین حق با برهان و دلیل برای انسان تبیین شود و آن وقت او آزاد است که آن را انتخاب کند یا بازهم از پذیرش آن سربازند و در گمراهی بمانند یعنی خویشتن را در مرحله فکری نگه دارد و از فضیلت عبودیت حق محروم گردد و مستوجب عذاب الهی گردد. (حق قمری، نعمتی، جعفریان ۱۳۹۶، ص ۶۶۲)

آیه معروف قرآن کریم: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) به این معنی که در قبول دین اکراه نیست، مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه شریفه می فرماید، «اکراه یعنی عبور کردن و وادار کردن کسی به کاری که دوست ندارد» این جمله دین اجباری را نفی می کند، زیرا دین از یک سلسله معارف علمی که یک رشته معارف علمی دیگر را به دنبال دارد و روی هم رفته از اعتقاد تشکیل می شود اجبار پذیر نیست چون اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد.

بنابراین اگر جمله «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» یک قضیه اخباری و در مقام بیان حال تکوین باشد از آن یک حکم دینی به دست می آید که اکراهی بر دین و اعتقاد نیست و اگر یک

جمله انشایی بوده و به عنوان تشریح و قانون گذاری ذکر شده باشد، در این صورت معنایش این است که دیگران را از روی کراهت وادار به اعتقاد و ایمان نکنید، و این نهی است که متکی بر یک حقیقت تکوینی می باشد و آن همان است که اکراه تنها در اعمال بدنی موثر است نه در اعتقادات قلبی. (تفسیرالمیزان، ص ۵۲۲)

نتیجه گیری:

آزادی در اسلام مفهوم و حقیقت گسترده ای دارد و مطالعه در تعالیم اسلامی مفهوم صحیح آزادی را ترسیم میکند. واژه ی آزادی در میان مکاتب بشری بسیار پرکاربرد بوده که هر کدام تعبیر و برداشت های مختلفی از آن ارائه داده اند و ادعا میکنند که به مقام انسان و آزادی او احترام می گذارند و آن را محترم می شمارند، اما واقعیت این است که بسته به این که آزادی را چگونه تعریف کنیم و حدود آن را تا کجا بدانیم ریشه و خاستگاه آن متفاوت میباشد.

در نتایج بدست آمده در این مقلله و بررسی مفهوم آزادی در قرآن کریم و روایات، بدینگونه میباشد، که در قرآن کریم در طبق آیه ۱۵۷، سوره اعراف، خداوند انسان را آزاد آفرید و انسان را از غل و زنجیرهایی که مانع اوج گرفتن و تکامل او میشود از گردن و پای انسان باز میکند، زیرا می فرماید ما به انسان کرامت عطا کردیم و او را مختار آفریدیم، او میتواند فطرتا خوبی و بدی را تشخیص دهد، انسان موجودی دارای عقل است که میتواند انتخابگر باشد و این امکان را فراهم میسازد که در زندگی خود آزادانه تاثیر گذار باشد. در روایات متعدد بدست آمده است که در مکتب اسلام انسان از عبودیت غیر خدا آزاد میشود و کرامت و شرف و هدف تکاملی و مقصد والایی که انسان دارد، محدود کننده آزادی اوست، آزادی که اسلام به ما داده است، آزادی در حدود قانون است. زیرا آزادی نمی تواند مطلق و بدون قید و شرط باشد، زیرا در این صورت خود منشا نابودی و سلب آزادی افراد میشود.

ریشه و منشا آزادی در فرهنگ اسلامی جهان بینی توحیدی است، شخصیت و ارزش ذاتی انسان نه این است که بنده هیچ کس غیر خدا نمیشود و از اطاعت غیر خدا، چه قانون و چه آداب، چه قدرت و سلطه ها باید رها باشد و تحت فرمان خداوند متعال باشد

زیرا این گونه است که انسان کرامت و ارزش پیدا میکند و آزادی او را به معنای واقعی کلمه تامین میکند.

آزادی فردی یعنی داشتن حق و اختیار و مستقل و بودن شخص مختار در گزینش اعمال و رفتار خود. حدود آزادی فردی به دسته تقسیم میشود: ۱- آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد که بیان میکند، انسان در داخل خانه خود و در اعمال شخصی خویش آزاد است، امنیت دارد و مصون از بازرسی است تعقیب و تفتیش است و اسلام صریحاً ورود به حریم شخصی افراد را منع کرده است، ۲. آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان بیان می کند که اسلام معتقد به آزادی انسان هست و به او اختیار گزینش میدهد ولی این آزادی تا جایی است که به حقوق دیگران، آزادی دیگران، نظم عمومی و مصالح جامعه لطمه وارد نسازد.

۳- آزادی عقیده و مذهب اشاره به این موضوع دارد که اسلام، عقیده صحیح را، دین توحیدی میداند و هر شخص را نزد خدا مسئول میداند که برای کشف حقیقت و پی بردن به عقیده صحیح توحیدی تلاش کند و از اطاعت غیر خدا و کفر دوری کند ولی در عین حال اجبار و اکراه را در دین نفی میکند. اسلام تلاش می کند که دین با برهان و دلیل برای انسان تبیین شود و آن وقت آزاد است که آن را انتخاب کند یا نپذیرد.

منابع:

۱. قرآن کریم: ترجمه الهی قمشه ای
۲. نهج البلاغه: محمد دشتی
۳. آل حبیب، عبدالغفار، ۱۴۰۲ زن، زندگی، آزادی، از دیدگاه وحی؛ جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن، انتشارات نسیم حیات، باب اول، قم.
۴. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ۱۳۹۵، ترجمه مهدی انصاری قمی، قم: دفتر انتشارات امام عصر (عج)، چاپ دهم.
۵. اسلامی، هاشم، حق از منظر قرآن و لیبرالیسم، فصلنامه پژوهشی، قرآنی، ش ۳۵ و ۳۶
۶. جوان، آراسته، محمد، حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، ۱۳۸۹، دفتر نشر معلوف، جلد ۱، چاپ هفتم، قم
۷. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول؛ ترجمه: بهزاد جعفری، ۱۳۸۰، جلد ۱، نشر دارالکتب اسلامی، تهران
۸. حق قمری، نعمتی، جعفریان، بررسی آزادی فردی از تعالیم اسلامی، فصلنامه علوم اجتماعی دوره ۳ شمار ۲ تابستان ۱۳۹۶
۹. حسنی، سید محمد ابراهیم، حدود ابعاد آزادی از نگاه امام (ره)، نشریه کیهان فرهنگی شماره ۱۷۲، بهمن ۱۳۷۹
۱۰. خامنه ای، سیدعلی، بیانات خطبه نماز جمعه ۱۳۶۵/۱۰/۵، khameni.ir
۱۱. صفار، محمدجواب، آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از اصلاحات ۱۳۸۳، انتشارات استادی، چاپ ۳۹، تهران
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، نشر قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی ۱۳۶۳، جلد
۱۳. عباسی، فرهاد، حدود آزادی در حکومت دینی از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱

۱۴. کلینی، محمد یعقوب، اصول کافی، نشر بیروت، دارالتعارف للمطبوعات
۱۳۶۹
۱۵. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، ۱۳۷۲، انتشارات صدرا،
چاپ هفتم، تهران
۱۶. میراحمدی، منصور، مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن، نشریه علوم سیاسی
دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۰، ش ۱۵
۱۷. معین، محمد. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ بیستم، ۱۳۸۲